

اذان به وقت گلوی بریده ی تو بگویم



به بام بر شده ام از سپیده ی تو بگویم
اذان به وقت گلوی بریده ی تو بگویم
اذان به وقت گلویی که قطعه قطعه غزل شد
غزل غزل شده ام تا قصیده ی تو بگویم
غزل غزل شده ام ای شهید عشق که چون گل
ز عاشقان گریبان دریده ی تو بگویم
هزار مرتبه آتش شدم ، نشد که غروبی
ز خیمه های به آتش کشیده ی تو بگویم
خوشا همواره نمازی که حمد ، مدح تو باشد
به جای سوره صفات حمیده ی تو بگویم
به بام بر شده ام با عقیق _ آینه _ سبزه
مگر ز دیدن ماه ندیده ی تو بگویم
به بام بر شده ام تشنه با صدای بریده
اذان به وقت گلوی بریده ی تو بگویم
(علیرضا قزوه)